

والدین، نوجوانان، ارزش‌های خانوادگی؛ ترجیح اطاعت یا استقلال
(تحلیل تطبیقی کشورهای منتخب خاورمیانه)

**Parents, Adolescents, Familial Values; Preference of
Obedience or Independence**
(Comparative Analysis of Selected Countries at the Middle East)

E. Khodaii, Ph.D.

A. Medanipori ✉

V. Naghdi

دکتر ابراهیم خدائی

استادیار سازمان سنجش آموزش کشور

علی معدنی پور ✉

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

وحید نقدی

دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه شهید بهشتی

Abstract

In contemporary world, especially among the middle east countries which have social disorders and their institutions of socialization act contradictorily, family can have an important role in prevention of internal and external behavior problems. Parenting style in family can be evaluated as a successful parenting style if attends to adolescents' independence besides monitoring them. This article discusses preferences of obedience and independence as two familial values.

چکیده:

در جهان امروز به‌خصوص در کشورهایی مثل کشورهای خاورمیانه که از اختلال اجتماعی رنج برده و آژانس‌های جامعه‌پذیری در جهت متضاد عمل می‌کنند، کارکرد درست خانواده می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشگیری از پیامدهای منفی به خصوص مسائل رفتاری درونی و بیرونی داشته باشد. شیوه والدینی که والدین اتخاذ می‌کنند، اگر در عین کنترل کامل، به استقلال شخصیتی نوجوان هم تأکید کند، می‌تواند به‌عنوان یک شیوه والدینی موفق ارزیابی شود.

✉Corresponding author: Dept. National Education Assessment Organization
Tel: +9821-29902460
Fax: +9821-22431709
Email: a.madanipour@sbu.ac.ir

✉ نویسنده مسئول: تهران - دانشگاه شهید بهشتی - دانشکده ادبیات و علوم انسانی - گروه جامعه‌شناسی
تلفن: ۰۲۱-۲۹۹۰۲۴۶۰ دورنما: ۰۲۱-۲۲۴۳۱۷۰۹
email: a.madanipour@sbu.ac.ir پست الکترونیکی:

The main question is that in which conditions the probability of these preferences will increase or decrease? Used data extracted from the fourth wave of World Value Survey. The 15-24 years old adolescents in the Middle East countries were selected as our samples. Findings show that demographic variables have an important role in preference of obedience, while both of demographic and social variables are important in preference of independence. In addition, we have shown that there are significant differences between different countries in mutual preference of obedience and independence, while the effective variables of these preferences follow the same model in majority of these countries.

Keywords: Family, Adolescent, Friend, Familial value, Independence, Obedience, Middle East, Logistic regression

این مقاله به ترجیح اطاعت و ترجیح استقلال به عنوان دو ارزش مهم خانوادگی از سوی نوجوانان می‌پردازد و به دنبال پاسخ به این سؤال است که تحت چه شرایطی احتمال این ترجیحات افزایش یا کاهش می‌یابد. داده‌ها از پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS) و از موج چهارم آن می‌باشد. گروه سنی ۱۵-۲۴ سال کشورهای خاورمیانه به‌عنوان نمونه تحقیق انتخاب شده‌اند. نتایج رگرسیون لجستیک نشان می‌دهد که متغیرهای جمعیت‌شناختی نقش مهم‌تری در کاهش یا افزایش احتمال ترجیح اطاعت از والدین داشته‌اند، در حالی که در مورد ترجیح استقلال متغیرهای جامعه‌پذیری هم اهمیت داشتند. به‌علاوه نشان داده شده است که تفاوت‌های معناداری در ترجیح همزمان اطاعت و استقلال از سوی نوجوانان در بین کشورهای مختلف خاورمیانه وجود دارد، گو این‌که عوامل موثر بر این ترجیحات در اکثر این کشورها تقریباً از یک الگو پیروی می‌کنند.

کلید واژه‌ها: خانواده، نوجوان، دوستان، ارزش‌های خانوادگی، استقلال، اطاعت، خاورمیانه، رگرسیون لجستیک

مقدمه

امروزه ارزش‌هایی چون مطیع بودن^۱ و سازگاری^۲ نوجوانان با والدین کم‌رنگ و در عوض ارزش‌هایی چون استقلال^۳ و خودمحموری^۴ پررنگ‌تر شده‌اند (آلوین، ۱۹۸۹) این در حالی است که به قول دالی (۲۰۰۱) نیاز نوجوانان و جوانان به راهنمایی، به خاطر محیط اجتماعی ناامن، بیشتر از گذشته شده و گزینه‌های آنان در این خصوص محدود است (استروم و همکاران، ۲۰۰۲). این مسئله در کشورهای جهان سوم از جمله کشورهای خاورمیانه اهمیت بیشتری دارد، چرا که در این کشورها به دلیل عدم تقسیم کار، نهادهای جامعه‌پذیری اعتمادناپذیر و به‌علاوه خطر انحرافات ناشی از آنومی بالا و تعداد قابل توجه جمعیت جوان، نقش خانواده در آموزش، تربیت و هدایت آن‌ها مهم‌تر است. این نقش در نظام‌های سنتی به شکل مطلوبی انجام می‌شد و برنامه کافی برای تربیت نوجوانان وجود داشت. روابط با نوجوانان و جوانان به واسطه فعالیت مشترک با آن‌ها و به‌خصوص در محیطی کنترل شده با روابط اجتماعی قوی و هنجارهای تعریف شده کاملاً کارکردی بود (رفیع‌پور، ۱۳۷۷)، اما امروزه وجود

نهادهای متعدد و رقابتی جامعه‌پذیری مثل مدرسه، همسالان، مؤسسات جوانان و رسانه‌ها که از نظر ارزش‌ها و ایده‌آل‌ها تفاوت‌ها و تضادهای بالقوه عمیقی دارند، پویایی خانواده را دگرگون کرده و کارکرد خانواده را با مشکلات جدی مواجه ساخته‌اند (گیلسا و مالتیبیب، ۲۰۰۴؛ رو، ۲۰۰۰؛ کلمن، ۱۹۹۲). یکی از تبعات این تعدد و پیچیدگی این است که والدین به تدریج نقش مربی و راهنما بودن خود را از دست داده و نفوذ آن‌ها و به‌خصوص پدر بر فرزندان کم شده، آن‌ها از دوستان و منابع دیگر جامعه‌پذیری بیشتر تأثیر می‌پذیرند (استینبرگ و موریس، ۲۰۰۱). در نتیجه جامعه‌پذیری نسل جوان بیشتر از آن‌که به خانواده وابسته باشد، وابسته به همسالان می‌شود و به قول مارسلند (۱۹۸۷) «جامعه‌پذیری خودکار^۵» شکل می‌گیرد (کلمن، ۱۹۹۲).

دایانا بامرایند دو مدل تربیتی متضاد را با هم مقایسه می‌کند: مدل محافظه کار یا استبدادی^۶، مدل لیبرال یا آسان‌گیر^۷. مدل لیبرال به خودفرمانی و اراده شخصی اهمیت می‌دهد. در این مدل فرزندان اجازه دارند، هر طور که خودشان دوست دارند، عمل کنند. اما مدل دوم، رفتار سخت‌گیرانه و تنبیهی را برای جامعه‌پذیری فرزند لازم می‌داند. در این‌جا رفتار فرزندان، آیینه تمام‌نمای دستورات والدین است. بامرایند می‌گوید: «هر کدام از این دو مدل (مدل استبدادی و لیبرال) هم‌دیگر را نفی می‌کنند و از تفکیک فردگرایی متعادل (که در آن فرد بیشتر به معرفی خود می‌پردازد) و فردگرایی خودخواهانه (که در آن فرد دست به پرخاشگری لجام‌گسیخته می‌زند) ناتوانند» او نتیجه می‌گیرد آن‌چه که مطلوب است، برقراری تعادل بین این دو دیدگاه است، یعنی این‌که باید علاوه بر تقویت توانایی عدم اطاعت از رهنمودهایی که پیامدهای نامطلوبی برای نوجوانان دارند، به آن‌ها آموخت که از رهنمودهای مشروع و اقتداری والدین تبعیت کنند (بامرایند، ۱۹۹۷).

مطیع بودن و مستقل بودن فرزندان در خانواده از عوامل گوناگونی تأثیر می‌پذیرند. به‌طور خلاصه نظریه‌هایی که در این زمینه وجود دارند به‌خصوص عوامل محیطی اثرگذار بر شخصیت مستقل یا مطیع نوجوانان و جوانان را می‌توان در چند بخش عمده خلاصه کرد: خانواده، دوستان و رسانه. ابتدا در بخش نظری اشاره‌ای به اثرات متغیرهای جمعیتی و زمینه‌ای خواهد شد و بعد تأثیر سه عامل مذکور مورد بحث قرار خواهد گرفت.

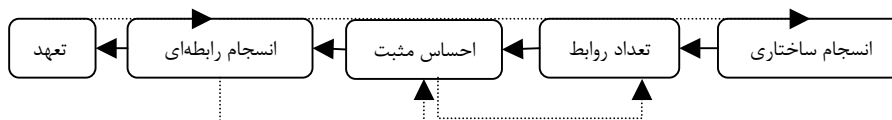
متغیرهای جمعیت‌شناختی: شواهد زیادی وجود دارد، مبنی بر این‌که هرچه نوجوانان به سنین بالاتری گام می‌نهند، استقلال رفتاری‌شان بیشتر و پندپذیری‌شان از والدین به‌عنوان نمودی از تضاد والدین و فرزندان کمتر می‌شود. این مسئله به‌خصوص در مورد مسائلی چون دوست دختر و دوست پسر بیشتر مشهود است (فلمینگ، ۲۰۰۵؛ آ؛ فلمینگ، ۲۰۰۵ ب)

بنا به گفته استینبرگ و موریس نوجوانان در دوره میانی نوجوانی بیشتر از هر وقت دیگر تحت تأثیر دوستان هستند و فاصله بیشتری از والدین، در مقایسه با اوایل و اواخر نوجوانی دارند (استینبرگ و موریس، ۲۰۰۱).

در مورد تأثیر جنس هم غالب تئوری‌ها و نتایج تحقیقات، به این نکته اشاره می‌کنند که اصولاً والدین در روابط با فرزندان پسر خود، مشکلات بیشتری نسبت به دخترانشان دارند (کوئی و همکاران، ۲۰۰۲؛ لاوسن و بروسارت، ۲۰۰۴). رفیع‌پور (۱۳۷۷) معتقد است که «پسرها به دلیل نظارت کمتر، تضاد بیشتری با والدین دارند». در تحقیق فلمینگ هم استقلال و به تبع آن عدم پیروی از والدین در پسرها بیشتر از دخترها دیده شد (فلمینگ، ۲۰۰۵). او در مقاله‌اش براساس نظر بامپوس و همکاران (۲۰۰۱) به تفاوت‌های روان‌شناختی دو جنس اشاره کرده و می‌گوید که این امر به خاطر آنست که معمولاً دخترها با نقش سنتی مادرانه مشخص شده و کمتر اجازه استقلال پیدا می‌کنند. به علاوه به نظر او استقلال برای دختران به نوعی با استرس همراه است (فلمینگ، ۲۰۰۵).

اسلایکر (۱۹۹۸) و هم‌چنین کونگر و الدر (۱۹۹۴) معتقدند که ساختار خانواده و تحصیلات والدین، با مکانیسم شیوه والدینی بر رفتار نوجوانان تأثیر می‌گذارند (کوئی و همکاران، ۲۰۰۲). آن‌ها به علاوه به مدل استرس خانواده کونگر و الدر (۱۹۹۴) اشاره می‌کنند که شرایط جمعیتی یا فشار اقتصادی مثل تک والدینی، تحصیلات کم والدین و همین‌طور درآمد پایین خانواده، نقش حمایتی والدین را با مشکل مواجه می‌کند و آن‌ها نمی‌توانند به وظایف والدینی خود عمل کنند.

خانواده: متسلر و همکاران (۱۹۹۸) معتقدند که شش بعد از جریان‌های خانواده یعنی تضاد والدین و فرزندان، روابط مثبت خانوادگی، نظارت والدین، قاعده‌گذاری^۱، هم‌نوایی با قواعد، استفاده از تقویت مثبت بر رفتارهای جوانان تأثیر دارند. به علاوه وازسونی، هیبرت و اسنایدر (۲۰۰۳) بین شش بعد از جریان‌های والدینی یعنی نزدیکی، حمایت، نظارت، رابطه، تضاد، تأیید با رفتارهای جوانان رابطه یافتند (اسنایدر و همکاران، ۲۰۰۴). به نظر فروسی (۲۰۰۱) اگر مادران و نوجوانان ارتباط مؤثری با هم داشته باشند، فرزندان ارزش‌ها و اعتقادات مادران را خواهند پذیرفت (استروم و همکاران، ۲۰۰۳). لارسون و ریچاردز (۱۹۹۵) همین قضیه را در مورد پدرها هم به کار می‌برند و معتقدند که مهارت در برقراری ارتباط با فرزندان باعث انتقال ارزش‌های والدین به آن‌ها می‌شود (استروم و همکاران، ۲۰۰۲). رفیع‌پور (۱۳۷۷) افزایش در میزان روابط اجتماعی در خانواده مثل غذا خوردن، مسافرت، مشارکت در مسائل بچه‌ها و کمک به حل مسائل آن‌ها را اولاً باعث تقویت پیوند احساسی با اولیا و ثانیاً افزایش میزان پذیرش توانایی و اقتدار آن‌ها از جانب فرزندان می‌داند که در نتیجه احساس تعهد برای پیروی از دستورات و خواسته‌های والدین در آن‌ها تقویت خواهد شد. این خود به معنی افزایش نظارت و کاهش انحرافات در بین فرزندان می‌باشد. لاولر و یون (۱۹۹۶) هم در تئوری انسجام رابطه‌ای این مسئله را توضیح می‌دهند. این تئوری در مدل زیر خلاصه می‌شود:



تئوری انسجام رابطه‌ای لاولر و یون

انسجام ساختاری از نظر لاولر وقتی ایجاد می‌شود که کنشگران وابستگی زیادی به هم داشته باشند و رابطه‌شان از توازن بالایی برخوردار باشد. این شرایط، باعث شکل‌گیری جریان درون‌زادی خواهد شد که در نهایت باعث افزایش انسجام رابطه‌ای می‌شود. انسجام رابطه‌ای باعث می‌شود که کنشگران رابطه‌شان را به‌عنوان یک موضوع اجتماعی مجزا و خاص، تصور نمایند. آن‌ها فکر می‌کنند رابطه‌ای که با کنشگران شبکه دارند، یک چیز خاص است، امری که احتمالاً در جاهای دیگر یافت نمی‌شود. به‌نظر لاولر نکته کلیدی تئوری آن‌ها در همین احساسات نهفته است، احساسی که نهایتاً تعهد کنشگران را در بر خواهد داشت. انسجام رابطه‌ای، تابعی از تعداد روابط و احساسات مثبت است (لاولر و یون، ۱۹۹۶). به‌نظر چلبی (۱۳۷۵) تعاملات خانوادگی باعث پرورش پتانسیل عاطفی افراد شده و وابستگی عاطفی از نوع خاص و انضمامی را به همراه خواهد داشت. از دیدگاه شبکه، تعدد (تعداد فعالیت‌هایی که افراد به‌طور مشترک انجام می‌دهند) و تراکم (میزانی که همه اعضا در شبکه با پیوندهای مستقیم با هم مرتبطند) دو خصلت مهم شبکه هستند که می‌توانند تأثیر زیادی بر افراد بگذارند (هاینی، ۲۰۰۱). تعداد تماس‌هایی که افراد با هم دارند، به‌عنوان یک بعد از انسجام بین نسلی در کار سیلورشتاین و بنگستون آمده است. آنان برای انسجام بین نسلی پنج بعد دیگر قائل شده‌اند: نزدیکی جغرافیایی، نزدیکی احساسی، شباهت دیدگاه‌ها، کمک دریافتی، کمک تأمینی. در واقع هر کدام از این‌ها نشانگر انسجام ساختاری، انسجام مؤثر^۹، انسجام وفاقی و انسجام کارکردی هستند و تعداد تماس‌ها هم گویای انسجام مبتنی بر همکاری^{۱۰} است. تعداد تماس‌ها می‌تواند اشکال و محتواهای مختلفی داشته باشد (سیلورشتاین و بنگستون، ۱۹۹۷).

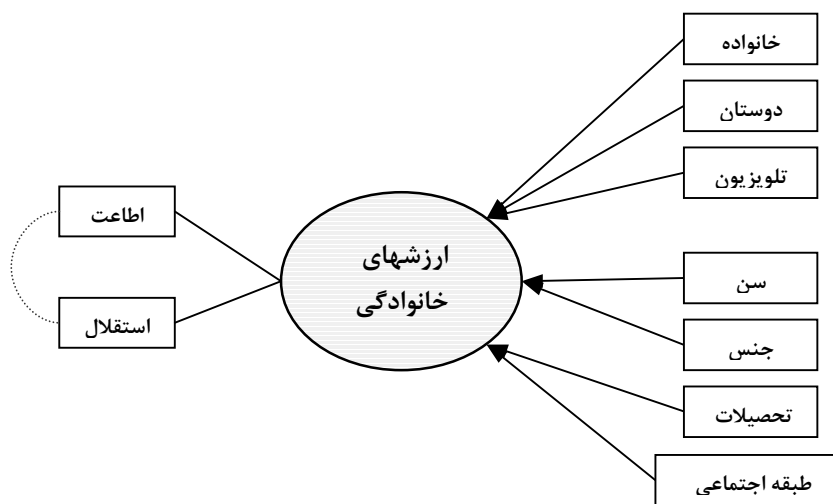
دوستان: به‌طور کلی تئوری‌های مربوط به تأثیر دوستان در دوران نوجوانی و جوانی را می‌توان در دو دسته خلاصه کرد: نخست، تئوری‌هایی که به هماهنگی خانواده و دوستان، به‌عنوان دو منبع مهم جامعه‌پذیری تأکید می‌کنند و دوم، تئوری‌هایی که این دو را در مقابل و خنثی‌کننده هم می‌دانند. رایس و مولکین دوستی با جنس موافق را در سنین بالاتر دوران نوجوانی و در دوره جوانی باعث تحکیم بیشتر دوستی با والدین می‌دانند (رایس و مولکین، ۱۹۹۵). بعضی هم برعکس، به نقش خانواده در ایجاد دوستی‌های مثبت اشاره می‌کنند و معتقدند که شیوه اقتداری والدین باعث کاهش تأثیر منفی دوستان می‌شود (استینبرگ و موریس، ۲۰۰۱). کوئی و همکاران برای تبیین نحوه تأثیر

رفتار والدین بر پیوندهای اجتماعی بچه‌ها، به تبعیت از لاد (۱۹۹۲) دو دیدگاه نظری را مطرح می‌کنند: تئوری یادگیری اجتماعی باندورا (۱۹۷۷) که می‌گوید بچه‌ها رفتارهای اجتماعی خاص از قبیل نحوه دریافت حمایت احساسی، جلب پذیرش دیگران و مدیریت تضاد را از والدین می‌آموزند. هم‌چنین کودکان و نوجوانان این رفتارهای آموخته شده را در روابطشان با دوستان به کار می‌برند. تئوری دلبستگی^{۱۱} که به نقل از بالبی (۱۹۸۰، ۱۹۷۳، ۱۹۶۹)، پارک و واترز (۱۹۸۹) و یانگ بلید و بلسکی (۱۹۹۲) مطرح می‌کنند، معتقدند که بچه‌ها رفتار والدین را به طور درونی گسترش می‌دهند و همان رفتار را در مورد دوستان و حتی خود والدین خواهند داشت. آن‌ها به کار مک‌دونالد (۱۹۹۲) اشاره کرده و می‌گویند که رفتار مثبت والدین، در نهایت موجب دوستی‌های مثبت و افزایش کیفیت دوستی خواهد شد. نتایج تحقیق آن‌ها هم نقش شیوه‌های والدینی (رفتار حمایتی یا پرخاشگرانه) در افزایش کیفیت دوستی را تأیید کرده است. رفتار حمایتی والدین شامل رفتار اجتماعی، مسئولیت‌پذیری و توجه و همین‌طور ارتباطات مثبت است و رفتار خصومت‌آمیز شامل رفتار ضداجتماعی، پرخاشگری و اعمال زور. برای کیفیت دوستی هم دو بعد خوشحالی و رضایت از خود و رضایت از دوست در نظر گرفته شد (کوئی و همکاران، ۲۰۰۲). این دیدگاه به این نکته تأکید می‌کند که نزدیکی احساسی به والدین و استقلال نوجوان دو بعد مجزا هستند، نه دو قطب مخالف در یک بعد، یعنی این‌که نوجوان می‌تواند رابطه صمیمی‌اش را با بسیاری از اطرافیان اعم از خانواده، دوستان و... گسترش دهد و این‌طور نیست که رابطه با دوستان به معنی رهایی از تعهد والدین باشد (رایس و مولکین، ۱۹۹۵).

در مقابل، طرفداران دیدگاه دوم به تأثیر متضاد خانواده و دوستان تأکید می‌کنند و نزدیکی به یکی و احساس تعلق به آن را به منزله دوری از دیگری و در نتیجه تأثیرپذیری کم از آن می‌دانند. مضافاً این‌که از این منظر شبکه دوستان اغلب محیط پر خطر و انحراف‌آمیز تلقی می‌شود و به همین دلیل برخی از جامعه‌شناسان خانواده لزوم توجه به خانواده و روابط خانوادگی دوستانه را برای جلوگیری از ارتباط زیاد با دوستان و تأثیرپذیری از آن‌ها ضروری می‌دانند. رفیع‌پور (۱۳۷۷) نزدیکی به دوستان را به منزله دوری از خانواده و انتقال شدت وابستگی به آن‌ها و در نتیجه تجزیه احساسی می‌داند (هم‌چنین مراجعه شود به هاگان و فوستر، ۲۰۰۱). نوآک و همکاران (۲۰۰۱) تضاد والدین را یک عامل نزدیک شدن به دوستان و ستایش آن‌ها ذکر کرده‌اند. فریمن و برادفورد (۲۰۰۱) شرایط خانوادگی را در رابطه با دوستان و وابستگی به آن‌ها بسیار مهم دانستند. نوجوانانی که در خانواده احساس امنیت می‌کنند و به والدین و به‌خصوص مادرشان نزدیک‌ترند و وابستگی بیشتری به او دارند، کمتر به دوستان توجه می‌کنند. اما آن‌ها که احساس امنیت کمتری دارند، بیشتر به طرف دوستان کشیده می‌شوند. بنابراین از این دیدگاه ضعف در کارکرد خانواده یک علت کشیده شدن نوجوانان به طرف دوستان و تأثیرپذیری بیشتر از آن‌ها است.

رسانه‌ها: استوکر و همکاران (۲۰۰۳) می‌گویند که استفاده از تلویزیون، باعث کاهش همبستگی شبکه اجتماعی می‌شود و اختلاف نظر را در افراد شبکه تشدید می‌کند. گیلسا و مالتیبیب (۲۰۰۴) معتقدند که عکس‌های موجود در مجلات و اینترنت و... باعث تأثیرپذیری و وابستگی بیشتر به خوانندگان و هنرپیشه‌ها می‌شود و آن‌ها جایگزین نقش الگویی و راهنمایی پدر و مادر می‌شوند. آن‌ها این پدیده را ایده‌آل کردن^{۱۲} از والدین به رسانه‌ها می‌نامند.

این مقاله به دنبال بررسی عوامل مؤثر بر اطاعت یا استقلال نوجوانان هست و می‌خواهد به این سؤالات پاسخ دهد که اولاً تحت چه شرایطی نوجوانان به ویژگی اطاعت از والدین تأکید می‌کنند؟ دوم تحت چه شرایطی نوجوانان به ویژگی استقلال تأکید می‌کنند؟ و در نهایت در چه شرایطی نوجوانان هر دو ویژگی را مهم ارزیابی می‌کنند؟



روش

در این تحقیق از روش تحلیل ثانویه براساس داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی (WVS) اینگلهارت استفاده شده است. این داده‌ها در سطح بین‌المللی و در طی دوره‌های زمانی مختلف جمع‌آوری شده‌اند.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

از بین کشورهای بررسی شده، کشورهای منطقه خاورمیانه شامل الجزایر، مصر، ایران، عراق، اسرائیل (فلسطین اشغالی)، اردن، مراکش، عربستان و ترکیه در نمونه انتخاب شدند. با توجه به این‌که این

داده‌ها به صورت طولی جمع‌آوری شده‌اند، تنها به داده‌های موج چهارم یعنی داده‌هایی که در بین سال‌های ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۴ جمع‌آوری شده‌اند، بسنده و به خاطر اهمیت مسئله در سنین نوجوانی تنها افراد ۲۴-۱۵ ساله انتخاب شدند. بنابراین نمونه شده است شامل نوجوانان و جوانان ۲۴-۱۵ ساله تمام کشورهای خاورمیانه (که این پیمایش در آن کشورها انجام شده است)، در طی سال‌های ۲۰۰۴-۱۹۹۹ می‌باشد.

ابزارهای پژوهش

متغیرهای به‌کار رفته در این تحقیق و نحوه سنجش آن‌ها در جدول ۱ خلاصه شده‌اند دو متغیر اول یعنی اهمیت اطاعت و استقلال به‌عنوان متغیرهای وابسته و بقیه متغیرها به‌عنوان متغیرهای مستقل به‌کار رفته‌اند. در این تحقیق با توجه به ماهیت متغیر وابسته یا متغیر پاسخ^{۱۳} که به صورت دو پاسخی^{۱۴} هستند، از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. تفاوت اصلی رگرسیون لجستیک با تحلیل رگرسیون معمولی در این است که متغیر وابسته در رگرسیون لجستیک به صورت طبقه‌ای است که می‌تواند دو مقوله‌ای یا چند مقوله‌ای باشد. فرضیه‌ها و تئوری‌های رگرسیون لجستیک تا حد زیادی شبیه تحلیل رگرسیون معمولی می‌باشد. در رگرسیون لجستیک بحث اصلی در مورد احتمال نسبی یا شانس وقوع یک مقوله از متغیر می‌باشد^{۱۵}. در این تحقیق از نرم‌افزار Stata استفاده شده است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی: همان‌طور که در جدول ۱ نشان داده شده است، تقریباً نیمی از جوانان نمونه تحقیق معتقدند که اطاعت از والدین ویژگی است که باید به بچه‌ها آموخته شود. این در حالیست که آموزش استقلال نوجوانان در خانواده از سوی ۴۲٪ پاسخگویان تأکید شده است. متغیرهای خانوادگی شامل اهمیت خانواده، میزان صرف وقت با والدین و غرور والدین به نوجوان همگی میانگین بالایی دارند و این حکایت از تأثیر بالای متغیرهای خانوادگی بر همه پاسخگویان دارد. اهمیت دوستان با میانگین ۳/۴۴ کمتر از اهمیت خانواده در نظر پاسخگویان است. رفتار براساس انتظارات دوستان هم میانگینی بالاتر از متوسط دارد. این نشان می‌دهد که برای اکثر نوجوانان برآورده کردن انتظارات دوستان مهم است. نوجوانان نمونه تحقیق به‌طور متوسط در روز حدود سه ساعت تلویزیون تماشا می‌کنند. در مورد ترکیب جنسی هم ۴۸٪ نمونه را پسرها تشکیل می‌دهند. میانگین سنی پاسخگویان حدود ۲۱ سال می‌باشد. میانگین تحصیلات ۱/۸۸ با توجه به دامنه متغیر نشان می‌دهد که تحصیلات پاسخگویان در مجموع در حد متوسط است. از نظر طبقه اجتماعی ذهنی هم میانگین طبقه اجتماعی متوسط برای تمام پاسخگویان بدست آمده است.

جدول ۱: توصیف متغیرهای وابسته و مستقل در نمونه تحقیق و نحوه سنجش آن‌ها

متغیرهای تحقیق	نحوه سنجش	مشاهدات	میانگین	انحراف استاندارد	کمینه	بیشینه
اهمیت اطاعت	اهمیت اطاعت کودکان از والدین به‌عنوان یک ویژگی که باید در خانه به آن تأکید شود	۵۲۹۵	۰/۴۹	۰/۵۰	۰	۱
اهمیت استقلال	اهمیت استقلال کودکان به‌عنوان یک ویژگی که باید در خانه به آن تأکید شود	۵۲۹۵	۰/۴۲	۰/۴۹	۰	۱
میزان صرف وقت با والدین	میزان صرف وقت با والدین اصلاً، چندبار در سال، یکی دوبار در ماه، هر هفته	۴۲۲۰	۳/۷۱	۰/۶۲	۱	۴
اهمیت والدین	یکی از مهم‌ترین اهداف فرد افتخار والدین به اوست. کاملاً مخالف تا کاملاً موافق	۴۷۰۱	۳/۶۸	۰/۵۷	۱	۴
میزان صرف وقت با دوستان	میزان صرف وقت با دوستان اصلاً، چندبار در سال، یکی دوبار در ماه، هر هفته	۴۵۱۴	۳/۴۴	۰/۸۰	۱	۴
رفتار براساس انتظارات دوستان	تلاش فرد برای رفتار براساس انتظارات دوستان کاملاً مخالف تا کاملاً موافق	۳۴۸۹	۲/۸۹	۰/۹۱	۱	۴
تماشای تلویزیون	میزان تماشای روزانه تلویزیون اصلاً، ۱ تا ۲ ساعت، ۲ تا ۳ ساعت، بیش از ۳ ساعت	۲۷۶۰	۲/۸۵	۰/۹۲	۱	۴
جنس	زن = ۰، مرد = ۱	۵۲۹۴	۰/۴۸	۰/۵۰	۰	۱
سن	---	۵۲۹۵	۲۰/۹۱	۲/۲۲	۱۵	۲۴
میزان تحصیلات	میزان تحصیلات (کم - متوسط - زیاد)	۵۰۷۳	۱/۸۸	۰/۶۹	۱	۳
طبقه اجتماعی (ذهنی)	طبقه‌ای که فرد خود را متعلق به آن می‌داند؟ پایین، کارگر، متوسط پایین، متوسط بالا، بالا	۴۸۱۱	۲/۹۳۷	۰/۰۱۵	۱	۵
کشورهای خاورمیانه	به ترتیب: الجزایر، مصر، ایران، عراق، اسرائیل، اردن، مراکش، عربستان، ترکیه	۵۲۹۵			۱	۹

یافته‌های تحلیلی

ترجیح اطاعت از والدین:

برای بررسی عوامل مؤثر بر ترجیح اطاعت از سوی نوجوانان براساس رگرسیون لجستیک سه مدل طراحی شده است. در مدل اول اثر متغیرهای پیشینه‌ای و جمعیت‌شناختی بر متغیر وابسته سنجیده شده، در مدل دوم علاوه بر این متغیرها، متغیرهای اجتماعی که شامل تأثیر خانواده، دوستان و

رسانه‌های ارتباط جمعی است، به مدل اول اضافه شده و در مدل سوم متغیرهای جمعیتی، کنترل شده و تأثیر متغیرهای اجتماعی به تنهایی سنجیده شده‌اند.

مدل ۱ در جدول ۲ نشان می‌دهد که همه متغیرهای جمعیت‌شناختی اثر معناداری بر ترجیح اطاعت به‌عنوان یک ویژگی مهم قابل انتقال از سوی نوجوانان داشته است. به این صورت که دخترها بیشتر از پسرها اطاعت از والدین را ترجیح می‌دهند. هم‌چنین با افزایش سن میزان ترجیح اطاعت کاهش می‌یابد. هرچه قدر تحصیلات نوجوانان هم بیشتر می‌شود احتمال ترجیح اطاعت کم می‌شود و بالاخره نوجوانانی که خودشان را متعلق به طبقات بالای جامعه می‌دانند، احتمالاً اعتقاد کمتری به اطاعت از والدین دارند.

جدول ۲: رگرسیون لجستیک ترجیح اطاعت و ترجیح استقلال براساس متغیرهای مستقل

	ترجیح استقلال			ترجیح اطاعت		
	۶	۵	۴	۳	۲	۱
مقدار ثابت	***-۲/۵۳۲	۰/۴۰۵۲۶۷	***۰/۸۸۴۶	-۰/۳۳۵۷۳	۱/۰۸۶۰۶۷	***۱/۱۶۷۴
جنس (مرد)		۰/۰۹۶	۰/۰۳۰		-۰/۱۵۵	*-۰/۱۳۱
سن		***-۰/۱۳۴	***-۰/۱۰۹		**۰/۰۵۶	*-۰/۰۲۶
تحصیلات		*۰/۱۵۴	***۰/۴۵۰		۰/۱۱۴	*-۰/۱۰۲
طبقه اجتماعی (ذهنی)		**۰/۱۴۳	**۰/۰۹۴		-۰/۰۳۱	***۰/۱۳۷
صرف وقت با والدین	۰/۰۴۷	-۰/۰۲۵		۰/۱۱۳	۰/۱۰۳	
اهمیت والدین	**۰/۳۷۹	**۰/۲۵۰		۰/۰۴۳	۰/۰۳۹	
صرف وقت با دوستان	***۰/۳۱۹	***۰/۲۴۳		-۰/۰۷۰	-۰/۰۸۷	
رفتار براساس انتظارات دوستان	*-۰/۱۰۳	*-۰/۱۳۹		۰/۰۱۹	-۰/۰۱۲	
تماشای تلویزیون	**۰/۱۲۹	۰/۰۸۰		۰/۰۱۲	-۰/۰۲۵	
Log Likelihood	-۱۵۰۰/۸۷	-۱۴۰۵/۹۹	-۳۰۶۳/۸۸	-۱۵۲۵/۱۸	-۱۴۵۵/۷۴	-۳۱۶۸/۹۷
LR Chi2	۴۸/۲۸	۱۱۴/۱۴	۱۸۸/۱۹	۳/۶۲	۱۶/۸۱	۴۲/۶۵
Prob Chi2	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۰۶	۰/۰۵۲	۰/۰۰۰
Pseude R2	۰/۰۱۵۸	۰/۰۳۹	۰/۰۲۹۸	۰/۰۰۱۲	۰/۰۰۵۷	۰/۰۰۶۷
N	۲۲۰۷	۲۱۱۶	۴۶۰۳	۲۲۰۷	۲۱۱۶	۴۶۰۳

در مدل ۲ جدول ۲ با وارد شدن متغیرهای صرف وقت با والدین، اهمیت والدین، صرف وقت با دوستان و رفتار براساس انتظارات دوستان مشاهده می‌شود که نه تنها معناداری برخی متغیرهای جمعیتی هم از بین می‌رود بلکه هیچ‌کدام از این متغیرهای جدید نمی‌توانند تفاوت‌های ترجیحی نوجوانان را در خصوص اهمیت اطاعت از والدین پیش‌بینی کنند. به‌علاوه همان‌طور که میزان $pseude R^2$ نشان می‌دهد قدرت تبیینی مدل هم کاهش یافته است. اما نکته‌ای که در این مدل وجود دارد، این است که با وجود متغیرهای خانواده، دوستان و تلویزیون تأثیر منفی آموزش بر ترجیح اطاعت از بین رفته و مثبت می‌شود. یعنی با وارد کردن متغیرهای جدید هرچه تحصیلات نوجوانان بیشتر می‌شود، احتمال این‌که آن‌ها اطاعت را ترجیح دهند بیشتر می‌شود. هر چند که این نتیجه معنادار و در نتیجه قابل تعمیم نمی‌باشد.

در مدل ۳ که متغیرهای جمعیتی کنترل شده‌اند هم ملاحظه می‌شود که هیچ‌کدام از متغیرهای خانواده، دوستان و تلویزیون نتوانسته‌اند تفاوت‌های نوجوانان را در ترجیح اطاعت تبیین کنند. در مجموع به‌نظر می‌رسد که متغیرهای جمعیت‌شناختی از جمله ذهنیت نوجوان از طبقه اجتماعی، سن و تحصیلات بهتر از سایر متغیرها قدرت پیش‌بینی ترجیح اطاعت را داشته‌اند.

ترجیح استقلال

برای تبیین ترجیح استقلال از سوی نوجوانان همانند متغیر قبلی از سه مدل استفاده شده است. مدل ۴ در جدول ۲ نشان می‌دهد که جنس نوجوانان تأثیری بر انتخاب استقلال به‌عنوان یک ارزش مهم خانوادگی ندارد. اما با وجود این‌که هر چه سن نوجوانان بیشتر شده، احتمال این‌که آن‌ها استقلال را هم به‌عنوان یک ویژگی قابل انتقال ارزیابی کنند کاهش یافته است، ملاحظه می‌شود که با افزایش تحصیلات نوجوانان ترجیح استقلال آن‌ها بیشتر شده است. به‌علاوه هر چه تصور از طبقه اجتماعی از سوی نوجوانان بالا ارزیابی شود احتمالاً آن‌ها بیشتر به استقلال از والدین معتقد خواهند بود.

در مدل ۵ متغیرهای خانواده، دوستان و تلویزیون هم به مدل قبل اضافه شده است و ملاحظه می‌شود که با وارد کردن آن‌ها قدرت تبیین مدل افزایش می‌یابد. با مشاهده ضرایب مربوط هم اولاً اهمیت متغیرهای جمعیت‌شناختی که در مدل قبل مطرح شد تأیید می‌شوند و ثانیاً نشان می‌دهند که متغیرهای اهمیت والدین و صرف وقت با دوستان احتمال ترجیح استقلال را از سوی نوجوان بیشتر کرده است. در حالی‌که متغیر اهمیت دوستان و تلاش برای رفتار براساس انتظارات آن‌ها نشان می‌دهد که هرچه دوستان برای نوجوان اهمیت بیشتری داشته باشند آن‌ها احتمالاً کمتر به استقلال قائل خواهند بود. متغیر صرف وقت با خانواده و تماشای تلویزیون هم تأثیر معناداری بر متغیر وابسته نداشته‌اند. متغیرهای مدل ۵ در مجموع ۴٪ تغییرات متغیر وابسته را توضیح داده‌اند. در مدل ۶ با

کنترل متغیرهای جمعیت‌شناختی نقش صرف وقت با دوستان بیشتر شده است. به علاوه این مدل نشان می‌دهد که نوجوانانی که بیشتر تلویزیون تماشا می‌کنند بیشتر احتمال دارد که استقلال از والدین را ترجیح دهند. همان‌طور که گفته شد در تبیین ترجیح استقلال علاوه بر متغیرهای جمعیت‌شناختی باید به نقش دوستان اشاره نمود. ضرایب هم‌گویای این هستند که صرف وقت با دوستان تأثیر مثبتی بر احتمال افزایش اهمیت استقلال در نظر نوجوانان دارد.

عوامل مؤثر بر ترجیح استقلال و اطاعت

در گام سوم تحلیل هدف این است که مشخص شود تحت چه شرایطی نوجوانان هر دو ویژگی اطاعت از والدین و در عین حال استقلال را مهم ارزیابی می‌کنند. در این‌جا هم همان متغیرهای پیشین وارد مدل می‌شوند، با این تفاوت که علاوه بر آن سه مدل، برای هر کدام از کشورهای خاورمیانه یک مدل مجزا ایجاد شده است تا تفاوت‌هایی که در اهمیت هر کدام از متغیرهای مبین در هر کشور وجود دارد و هم‌چنین شدت آن‌ها بهتر نمایان شود. پس سؤال اصلی این است که اولاً متغیرهای مستقل مطرح شده به‌طور کلی چگونه تفاوت‌های متغیر وابسته (ترجیح اطاعت و استقلال) را توضیح می‌دهند و ثانیاً این روند در هر کدام از کشورها چگونه است؟

جدول ۳: جدول تقاطعی متغیرهای وابسته و کشورهای خاورمیانه

مجموع	اهمیت هر دو	اهمیت استقلال	اهمیت اطاعت		
۳۳۰	۳۵	۷۷	۱۹۱	تعداد	الجزایر
	۱۰/۶۱	۲۳/۳۳	۵۷/۸۸	%	
۶۵۷	۲۲۶	۴۹۸	۳۳۵	تعداد	مصر
	۳۴/۴	۷۵/۸	۵۰/۹۹	%	
۹۵۲	۲۱۴	۵۴۷	۴۲۱	تعداد	ایران
	۲۲/۴۸	۵۷/۴۶	۴۴/۲۲	%	
۴۷۳	۶۵	۱۳۰	۳۵۷	تعداد	عراق
	۱۳/۷۴	۲۷/۴۸	۷۵/۴۸	%	
۲۴۹	۱۹	۱۵۸	۴۵	تعداد	اسرائیل
	۷/۶۳	۶۳/۴۵	۱۸/۰۷	%	
۳۰۲	۲۵	۶۰	۱۴۹	تعداد	اردن
	۸/۲۸	۱۹/۸۷	۴۹/۳۴	%	
۹۱۳	۹۵	۲۷۴	۴۱۰	تعداد	مراکش
	۱۰/۴۱	۳۰/۰۱	۴۴/۹۱	%	
۴۳۳	۲۰۲	۳۰۷	۲۸۸	تعداد	عربستان
	۴۶/۶۵	۷۰/۹	۶۶/۵۱	%	

ادامه جدول ۳

۹۸۶	۳۲	۱۸۸	۳۹۲	تعداد	ترکیه
	۳/۲۵	۱۹/۰۷	۳۹/۷۶	%	
۵/۲۹۵	۹۱۳	۲/۲۳۹	۲/۵۸۸	تعداد	مجموع
	۱۷/۲۴	۴۲/۲۹	۴۸/۸۸	%	
	۶۲۸/۹۱۴۸	+۰۳۵۱/۰	۳۴۱/۱۱۷۹		Chi2
	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		Pr

پاسخ سؤالات در جدول ۴ نمایان است اما قبل از توضیح آن لازم است که وضعیت پاسخگویان در ترجیح اطاعت، استقلال و ترجیح هم اطاعت و هم استقلال به تفکیک کشورهای خاورمیانه مشاهده شود. این نتایج در جدول ۳ آمده‌اند و ملاحظه می‌شود که در ترجیح هر کدام از این ویژگی‌ها بین کشورهای مورد بررسی تفاوت‌هایی وجود دارد که این تفاوت‌ها براساس آزمون کای دو معنادار هستند. قبلاً ذکر گردید که ۴۹٪ نوجوانان اطاعت را مهم دانسته‌اند و ۴۲٪ آن‌ها استقلال را. طبق جدول ملاحظه می‌شود که ۱۷٪ نوجوانان هم اطاعت و هم استقلال را مهم ارزیابی کرده‌اند. اما این مسئله در کشورهای مختلف متفاوت است. در جدول هم مشاهده می‌شود که نوجوانان کشورهای الجزایر، عراق، اردن، مراکش و ترکیه بیشتر اطاعت را ترجیح داده‌اند، در حالی که در مصر، ایران، اسرائیل و عربستان استقلال بیشتر ترجیح داده شده است. میزان اهمیت هر دوی این ویژگی‌ها هم در کشورهای مذکور متفاوت است. مثلاً در عربستان ۴۷٪ پاسخگویان هم اطاعت و هم استقلال را مهم دانسته‌اند در حالی که در ترکیه تنها ۳٪ افراد قائل به اهمیت هر دو ویژگی بوده‌اند.

جدول ۴: رگرسیون لجستیک ترجیح همزمان اطاعت و استقلال براساس متغیرهای مستقل

۶	۵	۴	۳	۲	۱	
-۰/۱۵۵۱	-۱/۳۱۷۲۲	-۰/۴۱۵۸۴	-۲/۹۸۹۲***	-۰/۴۸۳۶۴	۰/۰۳۵۳۵۴	مقدار ثابت
-۰/۰۷۷	-۰/۰۴۴	-۰/۰۵۲		-۰/۰۵۰	-۰/۰۶۴	جنس (مرد)
-۰/۰۹۶***	-۰/۰۹۶***	-۰/۱۱۴***		-۰/۱۲۱***	-۰/۱۰۳***	سن
۰/۱۵۹*	۰/۰۸۷	۰/۲۴۴**		۰/۱۱۸	۰/۲۳۸***	تحصیلات
-۰/۱۱۳*	۰/۳۲۹***	۰/۱۳۴*		۰/۱۸۷**	۰/۰۵۹	طبقه اجتماعی (ذهنی)
۰/۰۲۱	۰/۱۶۲	۰/۰۹۸	۰/۱۵۸	۰/۰۹۳		صرف وقت با والدین
۰/۰۴۰	۰/۱۶۴	۰/۱۳۲	۰/۲۲۲*	۰/۲۰۴		اهمیت والدین
۰/۱۱۹*	۰/۰۹۹	۰/۱۱۱	-۰/۱۶۸*	۰/۱۱۱		صرف وقت با دوستان
-۰/۱۱۵*	-۰/۱۱۹*	-۰/۱۲۳*	-۰/۱۰۷	-۰/۱۲۶*		رفتار براساس انتظارات دوستان
	-۰/۰۷۴	۰/۰۲۷	۰/۰۲۷	-۰/۰۴۱		تماشای تلویزیون
		-۰/۹۳۶***				الجزایر
	۰/۷۵۹***					مصر
-۰/۱۶۳						ایران

ادامه جدول ۴

-۱۶۵۱/۲۷	-۱۰۹۳/۰۹	-۱۱۰۲/۲۹	-۱۱۸۶/۹۷	-۱۱۱۴/۹۸	-۲۱۵۹/۷۳	Log Likelihood
۵۴/۱۲	۱۰۶/۴۳	۸۸/۰۴	۱۴/۵۸	۶۲/۶۵	۵۷/۷۴	LR Chi2
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۱۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Prob Chi2
۰/۰۱۶۱	۰/۰۴۶۴	۰/۰۳۸۴	۰/۰۰۶۱	۰/۰۲۷۳	۰/۰۱۳۲	Pseude R2
۳۱۸۴	۱۲۱۶	۲۱۱۶	۲۲۰۷	۲۱۱۶	۴۶۰۳	N

ادامه جدول ۴: رگرسیون لجستیک ترجیح همزمان اطاعت و استقلال براساس متغیرهای مستقل

۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	
-۰/۵۶۱۱۴	-۰/۴۰۹۴	-۰/۴۹۵۸۴	-۰/۶۱۵۲۲	-۰/۰۶۳۷۹	-۰/۰۹۹۱۳	مقدار ثابت
-۰/۱۰۵	-۰/۰۵۵***	-۰/۱۳۱	۰/۰۱۹	-۰/۰۶۷	-۰/۰۱۰	جنس (مرد)
-۰/۰۸۵***	-۰/۱۰۱	-۰/۰۷۱**	-۰/۱۲۳***	-۰/۱۰۰***	-۰/۱۱۵***	سن
۰/۱۴۱*	۰/۱۳۹	-۰/۰۹۵	۰/۱۰۹	۰/۳۴۷***	۰/۱۴۵*	تحصیلات
۰/۱۱۳*	-۰/۰۱۹	۰/۱۶۴**	۰/۱۹۳**	۰/۰۸۱*	۰/۱۵۳**	طبقه اجتماعی (ذهنی)
۰/۰۲۷	۰/۰۴۲	۰/۱۰۰	۰/۱۲۹			صرف وقت با والدین
۰/۰۰۶	-۰/۲۲۵*	۰/۲۱۳*	-۰/۲۴۸*		۰/۱۶۰	اهمیت والدین
۰/۱۰۶*	۰/۰۴۵	-۰/۱۳۴	۰/۰۳۷			صرف وقت با دوستان
	-۰/۰۸۹	-۰/۱۷۵**	-۰/۰۵۱			رفتار براساس انتظارات دوستان
	-۰/۰۴۳	-۰/۱۲۲*	-۰/۰۳۵		-۰/۰۱۶	تماشای تلویزیون
					-۰/۴۸۹**	عراق
				-۱/۰۷۸***		اسرائیل
			-۱/۴۴***			اردن
		-۱/۵۳۶***				مراکش
	۱/۳۹۰***					عربستان
-۲/۰۶۶***						ترکیه
-۱۷۵۶/۷۷	-۱۰۵۷/۷۶	-۱۰۶۹/۲۷	-۱۰۸۷/۷۴	-۲۱۴۶/۸۹	-۱۳۳۶/۸۶	Log Likelihood
۱۸۵	۱۷۷/۰۸	۱۵۴/۰۶	۱۱۷/۱۲	۸۳/۴۴	۷۵/۵۹	LR Chi2
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Prob Chi2
۰/۰۵	۰/۰۷۷۲	۰/۰۶۷۲	۰/۰۵۱۱	۰/۰۱۹۱	۰/۰۲۷۵	Pseude R2
۳۷۶۷	۲۱۱۶	۲۱۱۶	۲۱۱۶	۴۶۰۳	۲۶۴۰	N

مدل اول تا سوم در جدول ۴ مربوط به کل کشورهای خاورمیانه است و از مدل چهارم تا دوازدهم کشورها به طور مجزا وارد شده‌اند. در مدل ۱ هرچه سن افزایش می‌یابد، احتمال این که نوجوانان هر دو ویژگی اطاعت و استقلال را ترجیح دهند کم می‌شود. هم‌چنین با افزایش تحصیلات احتمال ترجیح هر دو ویژگی بیشتر می‌شود.

در مدل ۲ با وارد شدن متغیرهای خانواده، دوستان و تلویزیون مشاهده می‌شود که تصویر ذهنی از طبقه اجتماعی هم در پیش‌بینی متغیر وابسته پررنگ‌تر می‌شود، به این معنا که اگر نوجوان خود را

جزء طبقات بالا ارزیابی کند احتمال بیشتری دارد تا هم اطاعت و هم استقلال را به‌عنوان دو ویژگی مهم ارزیابی کند. در این مدل به علاوه مشاهده می‌شود که رفتار براساس انتظارات دوستان تأثیر منفی در احتمال ترجیح آن‌ها داشته است. همه این متغیرها توانسته‌اند تنها سه درصد از تفاوت‌ها را توضیح دهند. در مدل ۳ متغیرهای جمعیت‌شناختی کنترل شده‌اند. آنچه که در این مدل مهم است تأثیر مثبت متغیرهای خانوادگی و دوستان بر احتمال ترجیح اطاعت و استقلال است. به سخن دیگر هر چه شرایط خانوادگی نوجوانان طوری باشد که والدین در نظر نوجوانان مهم تلقی شوند و در عین حال آن‌ها برای ارتباط با دوستان‌شان هم وقت بگذارند احتمالاً بیشتر از بقیه قائل به اهمیت اطاعت از والدین و استقلال خواهند بود.

در مدل ۴ کشور الجزایر وارد مدل شده است. براساس این مدل واضح است که نوجوانان کشور الجزایر احتمالاً کمتر از بقیه قائل به اهمیت اطاعت و استقلال باشند، که در جدول ۳ هم تأیید شده است. اما اثر متغیرهای دیگر برای الجزایر با مدل کلی تفاوت چندانی نمی‌کند. در مدل ۵ کشور مصر وارد مدل شده است. ملاحظه می‌شود که احتمال انتخاب هر دو ویژگی در بین نوجوانان مصری بیشتر از کل خاورمیانه است. به علاوه مشاهده می‌شود که طبقه اجتماعی در مصر نقش تعیین‌کننده‌ای در ترجیحات نوجوانان دارد و افراد طبقه پائین احتمالاً کمتر از بقیه این دو ویژگی را مهم بدانند. در مدل ۶ ایران وارد شده است. در این‌جا هم با افزایش سن احتمال ترجیح این ارزش‌ها کم و با افزایش تحصیلات و تصویر ذهنی از طبقه اجتماعی احتمال ترجیح افزایش می‌یابند. میزان صرف وقت با دوستان و عمل براساس انتظارات آن‌ها هم به‌طور متضاد بر احتمال ترجیح تأثیر گذاشته‌اند. در مدل ۷ کشور عراق وارد مدل شده است که نشان می‌دهد احتمال این‌که عراقی‌ها این دو ویژگی را مهم ارزیابی کنند کمتر از بقیه است و به علاوه اثر بقیه متغیرها تفاوت چندانی با مدل کلی خاورمیانه نمی‌کند. در مدل ۸ اسرائیل وارد مدل شده است. نوجوانان اسرائیلی احتمالاً کمتر از بقیه قائل به انتخاب هر دو ارزش می‌باشند گو این‌که با توجه به نبود اطلاعات خانوادگی، دوستان و رسانه‌ها در مورد این کشور تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی هم از الگوی کلی پیروی می‌کند. در مدل ۹ اردن وارد شده است که مشاهده می‌شود که اردنی‌ها هم احتمالاً کمتر از بقیه نوجوانان خاورمیانه قائل به انتخاب هر دو ویژگی باشند. به‌علاوه در انتخاب اطاعت و استقلال از سوی اردنی‌ها نقش خانواده و به‌خصوص اهمیت والدین تعیین‌کننده است. در مدل ۱۰ که کشور مراکش وارد شده است مشاهده می‌شود که متغیرهای خانوادگی و خصوصاً اهمیت والدین تأثیر مثبت و متغیر دوستان و تلویزیون تأثیر منفی بر احتمال وقوع متغیر وابسته دارند. در مدل ۱۱ که کشور عربستان وارد شده است الگوی کلی کمی تغییر کرده است. به این صورت که در این‌جا نقش جنسیت پررنگ‌تر و نقش سایر متغیرهای جمعیت‌شناختی کم‌رنگ‌تر می‌شود. این مدل نشان می‌دهد که دخترها به احتمال بیشتری به اهمیت اطاعت از والدین و استقلال قائل باشند. هم‌چنین اهمیت والدین هم همانند

الگوی مربوط به اردن از اهمیت زیادی در احتمال انتخاب متغیر وابسته داراست. ضریب مربوط به عربستان هم به این معناست که در مقایسه با بقیه کشورهای خاورمیانه احتمال انتخاب اطاعت و استقلال در بین عربستانی‌ها بیشتر است. در مدل ۱۲ که کشور ترکیه وارد شده است، الگو تقریباً مشابه الگوی کلی است در عین این‌که نوجوانان کشور ترکیه احتمالاً کمتر از بقیه قائل به اهمیت این دو ویژگی خواهند بود. در مجموع مشاهده می‌شود که مدل مربوط به کشور عربستان وضعیت بهتری از بقیه مدل‌ها دارد و $pseude R^2$ در این مدل بیشتر از بقیه است.

بحث

انسجام بین نسلی یکی از مهم‌ترین ضرورت‌های جوامع امروز به‌خصوص جوامعی که دچار اختلالات اجتماعی هستند می‌باشد. در این جوامع به خاطر آژانس‌های جامعه‌پذیری مختلف و اغلب متضاد، لازم است که خانواده به عنوان یک نهاد مؤثر بیش از پیش به وظایف خود در قبال کودکان و نوجوانان توجه کند. با این‌که در جهان امروز گسترش شدید رسانه‌های ارتباط جمعی رشد و آموزش نوجوانان و دوستان آن‌ها را تحت تأثیر قرار داده‌اند، اما همین مسئله اهمیت کلیدی خانواده و شیوه والدینی را در نجات فرزندان از مسائل رفتاری درونی و بیرونی پررنگ‌تر کرده است (گیلسا و مالتیبیب، ۲۰۰۴؛ رو، ۲۰۰۰؛ کلمن، ۱۹۹۲).

براساس نظر میر و همکاران (۲۰۰۴) یکی از کارآمدترین شیوه‌های والدینی آزادی نوجوان در کنار کنترل کامل اوست. به این معنا که در کنار دادن استقلال به نوجوان و ارزش دادن به فردیت او به نوجوان آموخت که به نظرات والدین توجه کرده و آن‌ها را به کار بندد. تحقق چنین اهدافی نیازمند عوامل متعددی است که از آن جمله صرف وقت با نوجوانان است. تئوری‌های مختلف از جمله تئوری انسجام رابطه‌ای لاولر به این مسئله تأکید می‌کنند که داشتن رابطه و صرف وقت با هم‌دیگر باعث ایجاد احساس مثبت و انسجام رابطه‌ای می‌شود که در نهایت تعهد را در پی خواهد داشت (لاولر و یون، ۱۹۹۶). بدین ترتیب اگر والدین بتوانند زمان زیادی را با فرزندان بگذرانند به دنبال آن احساس مثبت، علاقه و تعهد ایجاد می‌شود و آن وقت نظرات والدین برای فرزندان باارزش خواهد بود، ولی در عین حال به خاطر ساختار افقی روابط و دوستی موجود، شخصیت نوجوان هم کاملاً باارزش است و در نتیجه او در عین اطاعت از والدین از استقلال شخصیتی هم برخوردار است.

این مقاله به دنبال آن بود که به این سؤالات پاسخ دهد که نوجوانان و جوانان تحت چه شرایطی یکی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که باید به کودک آموخته شود را اطاعت از والدین می‌دانند و تحت چه شرایطی استقلال را یک ویژگی مهم در تربیت کودکان می‌دانند. به علاوه ما از ترکیب دو متغیر وابسته مطرح شده یک متغیر دیگر ایجاد کردیم که در واقع نشان می‌داد که پاسخگویان هم اطاعت از والدین و هم در عین حال استقلال را به‌عنوان دو ویژگی مهمی که باید به کودکان آموخت ذکر

کرده‌اند. بدیهی است که فرض ما این بود که عوامل مؤثر و مکانیسم‌ها و اهمیت هر کدام از متغیرهای مستقل در تبیین هر کدام از این متغیرها باید متفاوت باشد. یافته‌ها نشان داد که در مورد جنس همان‌طور که در تئوری‌ها و تحقیقات کوئی و همکاران (۲۰۰۲)، لاوسن و بروسارت (۲۰۰۴)، فلمینگ (۲۰۰۵) و رفیع‌پور (۱۳۷۷) اشاره شد، پسرها احتمالاً اطاعت از والدین را کمتر از دخترها ترجیح می‌دهند. در مورد تأثیر سن مشخص شد که با افزایش سن میزان ترجیح اطاعت کمتر می‌شود که در تحقیق فلمینگ (۲۰۰۵) هم به آن اشاره شد. اما با این وجود قاعدتاً باید با کمتر شدن ترجیح اطاعت میزان ترجیح استقلال آن‌ها افزایش یابد که در این تحقیق مشاهده شد که با افزایش سن ترجیح استقلال هم کمتر می‌شود. این مسئله را در کار استینبرگ و موریس (۲۰۰۱) هم دیده شد. آن‌ها معتقدند که فاصله از والدین و ترجیح استقلال بیشتر در اواسط دوره نوجوانی است، در حالی که در اواخر دوره نوجوانی آن‌ها تمایل زیادی برای استقلال ندارند. به علاوه همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد با افزایش تحصیلات نوجوانان احتمال ترجیح اطاعت، کمتر و ترجیح استقلال بیشتر می‌شود. ما هم چنین دریافتیم که هرچه نوجوانان و جوانان به طبقه اجتماعی بالا تعلق داشته باشند ترجیح میزان اطاعت کمتر و میزان استقلال بیشتر می‌شود. این مسئله پیش از این و در مدل استرس خانواده کونگر والد (۱۹۹۴) مورد بحث قرار گرفت (کوئی و همکاران، ۲۰۰۲).

در مورد متغیرهای خانوادگی، بین میزان وقتی که والدین و نوجوانان سپری می‌کنند با هیچ‌کدام از متغیرهای مستقل رابطه معناداری حاصل نشد، در حالی که براساس نتایج رگرسیون لجستیک هر قدر میزان اهمیت والدین بیشتر باشد، احتمال میزان استقلال افزایش می‌یابد. شاید بتوان گفت که اهمیت والدین به‌عنوان یک متغیر پاسخ برای شیوه والدینی مناسب باشد. از طرفی افزایش میزان ارتباط با دوستان هم احتمال ترجیح استقلال را در بین نوجوانان افزایش می‌دهد. به‌طور کلی دو مجموعه تئوری برای تبیین اثر این متغیر مطرح شد؛ تئوری‌هایی که خانواده و دوستان را در کنار هم قرار می‌دهند به این معنا که نزدیکی نوجوانان به یکی باعث نزدیکی به دیگری هم می‌شود. تئوری یادگیری اجتماعی باندورا (۱۹۷۷) و تئوری دلبستگی بالبی (۱۹۶۹) از جمله این تئوری‌ها هستند. دسته دوم تئوری‌هایی هستند که خانواده و دوستان را در مقابل هم قرار می‌دهند. براساس نظر رفیع‌پور (۱۳۷۷)، نوآک و همکاران (۲۰۰۱) و فریمن و برادفورد (۲۰۰۱) هر قدر نوجوانان با دوستان‌شان بیشتر ارتباط داشته باشند، بیشتر ترجیح می‌دهند که مستقل باشند و بنابراین رابطه‌شان با خانواده کمتر خواهد شد. نتایج این تحقیق بیشتر با نظریه‌های دسته دوم همخوانی دارد به طوری که با افزایش میزان ارتباط با دوستان در بین نوجوانان بررسی شده در خاورمیانه میزان ترجیح استقلال از سوی آن‌ها بیشتر می‌شود، گو این‌که براساس تحلیل رگرسیون این متغیر با ترجیح اطاعت نوجوانان رابطه معناداری نداشت. بنابراین می‌توان گفت که در کشورهای

خاورمیانه آژانس‌های مهم جامعه‌پذیری از هماهنگی لازم برخوردار نیستند، این مسئله وقتی آشکارتر می‌شود که تأثیر رسانه‌ها را هم مد نظر قرار دهیم. همان‌طور که پیش از این هم مطرح شد تماشای تلویزیون هم تنها ترجیح استقلال را در بین نوجوانان تقویت می‌کند که این نتیجه با تئوری‌های استوکر و همکاران (۲۰۰۳) و گیلسا و مالتیب (۲۰۰۴) همخوان است.

ما در این مقاله سعی کردیم این دو بحث اصلی ترجیح اطاعت و استقلال را در کنار هم ببینیم. بر این اساس در مرحله سوم تمرکز اصلی بر عوامل مؤثر بر ترجیح همزمان اطاعت و استقلال بود، چرا که براساس نظریه بامراند (۱۹۹۷) و هم‌چنین میر (۲۰۰۴) توجه به این دو ویژگی در کنار هم می‌تواند به‌عنوان یک مدل تربیتی موفق ارزیابی شود. نتایج تحلیل رگرسیون لجستیک نشان داد که در این‌جا نوجوانان کم سن و سال‌تر احتمالاً بیشتر از بقیه هم اطاعت و هم استقلال را مهم می‌دانند، در حالی که هر چه سطح تحصیلات آن‌ها بیشتر می‌شود آن‌ها به اهمیت اطاعت در کنار استقلال بیشتر پی می‌برند. در مورد تأثیر طبقه اجتماعی هم مشخص شد که نوجوانان طبقات پایین در این جوامع کمتر از بقیه معتقدند که هم اطاعت و هم استقلال برای کودکان لازم است، بلکه همان‌طور که در تحلیل‌های مجزا مطرح شد آن‌ها بیشتر مطیع بودن از والدین و کمتر استقلال را ترجیح می‌دهند. در مورد متغیرهای جامعه‌پذیری یک رابطه متعادل از تأثیر خانواده و دوستان باعث شده است که هم اهمیت والدین و هم رابطه با دوستان تأثیر مثبتی بر ترجیح همزمان اطاعت و استقلال داشته باشد، همان‌طور که نوجوانانی که بیشتر براساس خواسته‌ها و انتظارات دوستان‌شان عمل کرده‌اند، کمتر به اهمیت این دو ویژگی قائل هستند.

برای فهم بهتر الگوهای مختلف تبیینی در کشورهای مختلف، در اینجا تلاش شد که برای هر کدام از کشورها یک مدل مجزا ارائه شود. در واقع سؤال اصلی این بود که میزان ترجیح اطاعت و استقلال از سوی نوجوانان هر کدام از این کشورها بر اساس چه مدلی تبیین می‌شود؟ و این‌که اساساً بین کشورهای مختلف چه شباهت‌ها و تفاوت‌هایی وجود دارد؟ این شباهت‌ها و تفاوت‌ها به‌طور خلاصه در جدول ۵ منعکس شده‌اند.

جدول ۵: طبقه‌بندی کشورها بر اساس میزان اهمیت هر کدام از ارزش‌های خانوادگی

ترجیح کم	ترجیح زیاد	
اسرائیل، ترکیه، ایران	عراق، عربستان، الجزایر	ترجیح اطاعت
عراق، ترکیه، اردن، الجزایر	مصر، عربستان، اسرائیل، ایران	ترجیح استقلال
ترکیه، اسرائیل	عربستان، مصر	ترجیح اطاعت و استقلال

همان‌طور که ملاحظه می‌شود بیشترین ترجیح اطاعت در بین نوجوانان کشورهای عراق، عربستان و الجزایر است، در حالی که نوجوانان اسرائیل، ترکیه و ایران کمتر از بقیه به اهمیت اطاعت قائلند. در

مقابل نوجوانان کشورهای مصر، اسرائیل و ایران لزوم استقلال از والدین را مهم‌تر دانسته‌اند. در حالی که برای نوجوانان اردنی، الجزایری و عراقی این ویژگی از اهمیت زیادی برخوردار نیست. نکته قابل توجه در این‌جا مورد عربستان و ترکیه است. همان‌طور که مشاهده می‌شود این دو مورد از موارد استثنائی هستند، چرا که در بین کشورهای مورد مطالعه، نوجوانان عربستانی هم به اهمیت اطاعت قائلند و هم درصد بالایی از آن‌ها استقلال را هم مهم دانسته‌اند. در مقابل برای نوجوانان کشور ترکیه در مقایسه با نوجوانان کشورهای دیگر هیچ‌کدام از این دو ویژگی چندان مهم نبوده است. گو این‌که ترجیح اطاعت و استقلال علاوه بر عربستان، برای مصری‌ها هم مهم و علاوه بر ترکیه برای اسرائیلی‌ها هم غیر مهم تلقی شده است.

ما در تبیین عوامل مؤثر بر ترجیح اطاعت و استقلال برای هر کدام از کشورها که به‌وسیله رگرسیون لجستیک انجام شد، تفاوت قابل توجهی را در مدل‌های تبیین نیافتیم، چرا که اغلب مدل‌ها از همان مدل کلی که برای همه کشورها در نظر گرفته شده بود پیروی می‌کردند و تفاوت‌های موجود هم بیشتر تفاوت‌هایی بود که به میزان اثرگذاری هر کدام از متغیرهای مستقل مربوط می‌شد، اما به نظر می‌رسد که با استفاده از روش‌های دیگر از جمله روش‌های کیفی بتوان توضیح بیشتری در مورد این تفاوت‌ها ارائه داد.

یادداشت‌ها

1. Obedience
2. Conformity
3. Autonomy
4. Self-Direction
5. Auto-Socialization
6. Conservative (Authoritarian) Model
7. Liberal (Permissive) Model
8. Rule Making
9. Affected Solidarity
10. Associational Solidarity
11. Attachment Theory
12. Idealization
13. Response Variable
14. Binary

۱۵. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه می‌توان به کتاب زیر مراجعه شود: Agresti, Alan. (2007).

منابع

- چلبی، م. (۱۳۷۵). *جامعه‌شناسی نظم*. تهران: نشر نی.
- رفیع پور، ف. (۱۳۷۷). *آناتومی جامعه*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- Agresti, A. (2007). *An introduction to categorical data analysis* (2nd Edition). Hoboken, NJ: Wiley.
- Alwin, D. F. (1989). Changes in qualities valued in children in the United States, 1964 to 1984. *Social Science Research*, 18(3), 195-236.
- Baumrind, D. (1997). The discipline encounter: Contemporary issues. *Aggression and Violent Behavior*, 2(4), 321-335.

- Coleman, J. C. (1992). *The school years: Current issues in the socialization of young people*. London: Routledge.
- Cui, M., Conger Rand, D., Briant, C. M. Elder Glen, H. (2002). Parental behavior and the quality of adolescent friendships: A social-contextual perspective. *Journal of the Marriage and Family*, 64, 676-689.
- Fleming, M. (2005a). Adolescent autonomy: Desire, achievement and disobeying parents between early and late adolescence. *Australian Journal of Education and Developmental Psychology*, 5, 1-16.
- Fleming, M. (2005b). Gender in adolescent autonomy: Distinction between boys and girls accelerates at 16 years of age. *Electronic Journal of Research in Educational Psychology*, 63(2), 33-52.
- Freeman, H., & Bradford, B. B. (2001). Primary attachment to parents and peers during adolescence: Differences by attachment style. *Journal of Youth and Adolescence*, 30(6), 653-674.
- Gilesa, D. C., & Maltby, J. (2004). The role of media figures in adolescent development: Relations between autonomy, attachment, and interest in celebrities. *Personality and Individual Differences*, 36, 813-822.
- Hagan, J., & Foster, H. (2001). Youth violence and the end of adolescence. *American Sociological Review*, 66, 874-899.
- Haynie, D. L. (2001). Delinquent peers revisited: Does network structure matter. *The American Journal of Sociology*, 106(4), 1013.
- Inglehart, R. (2004). World Value Survey (1999-2004). Institute for Social Research, University of Michigan.
- Lawler, E. J., & Yoon, J. (1996). Commitment in exchange relations: Test of theory of relational cohesion. *American Sociological Review*, 61, 89-108.
- Lawson, D. M. & Brossart D. F. (2004). The Developmental course of personal authority in the family system. *Family Process*, 43(3), 391-409.
- Meyer, J., Tencer, H., Smith, F., & Haynes, J. (2004). *Parental advice giving and psychological control: Links to close friendships and behavioral outcomes in early adolescence* [on-line]. Available: <http://faculty.virginia.edu/allen>.
- Noack, P., Krettek C., & Walper S. (2001). Peer relations of adolescents from nuclear and separated families. *Journal of Adolescence*, 24(4), 535-548.
- Rice, K. G., & Mulkeen, P. (1995). Relationship with parents and peers: A longitudinal study of adolescent intimacy. *Journal of Adolescent Research*, 10(3), 338-357.
- Silverstein, M., & Bengston, V. L. (1997). Intergenerational solidarity and the structure of adult child-parent relationships in american families. *American Journal of Sociology*, 103(2), 429-460.
- Snider, J. Blake, C. A., & Vazsonyi A: T. (2004). Late adolescent perceptions of religiosity and parenting processes. *Family Process*, 43(4), 489-503.
- Steinberg, L., & Morris, A. S. (2001). Adolescent development. *Annual Review of Psychology*, 52, 83.
- Stocker, R., Cornforth, D., & Green, D. G. (2003). *The impact of television on cohesion in social networks. A simulation study*, [on-line]. Available: <http://athene.riv.csu.edu>. Au/
- Strom, R. D., Beckert, T. E., Strom P. S., Strom, S. K., & Griswol D. L. (2002). Evaluating the success of Caucasian fathers in guiding adolescents. *Adolescence*, 37(145), 131.